

دگرسانی اشعار فارسی در نسخه خطی محبوبالقلوب

داریوش ذوالفقاری

گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

سال هفدهم، شماره دهم، دی 1403، شماره پی در پی 104، صص 153-131

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7560>

نشریه علمی سبک شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: در نسخه خطی محبوبالقلوب با شماره 15 موجود در کتابخانه حالت افندی ترکیه اشعار فراوانی موجود است ولی در آن بجز از حکیم فردوسی و حکیم سنایی آن هم یکبار از هر کدام، از شاعر دیگری نام نرفته است و شیوه مؤلف نیابردن نام شاعران است. شاعرانی که از آنها در این کتاب شعر آمده است عبارتند از: فردوسی، ناصر خسرو، انوری، فرخی سیستانی، سنایی، ظهیر فاریابی، خاقانی، ازرقی هروی، رشید وطواط، نظامی، سعدی و مولوی که همگی پیش از قرن هشتم هستند و این نکته با توجه به علاقه مؤلف به ذکر اشعار از شاعران برجسته نشان میدهد که نهایتاً کتاب را در اوایل قرن هشتم نوشته است و به همین دلیل است که از شاعران این قرن شعری در آن نیست.

روش پژوهش: دگرسانی کلمات در اشعار متن این نسخه با آثار چاپی معتبر، این پرسش را ایجاد میکند که اشعار در محبوبالقلوب چه قدر اصالت دارند؟ و آیا ممکن است دلیل دگرسانیها این باشد که مؤلف کتاب اشعار را از حافظه نقل کرده است؟ در جستار پیش رو، برای شرح مسئله، تمامی ابیاتی که با آثار چاپی دگرسانی دارند بررسی شده‌اند.

یافته‌ها: اگرچه در موارد معدودی میتوان به دگرسانیهای این نسخه خطی به خاطر دقت نظر نویسنده اعتماد کرد، ولی حدس نزدیک به یقین این است که این نویسنده طبع شعر داشته و به راحتی میتوانسته است در محور جانشینی، کلماتی را از ذهن خود قرار دهد. همچنین اصالت مبانی اخلاقی کتابش برای او مهمتر از اصالت متون به ویژه اشعاری بوده که در ضمن کتاب میآورده است.

نتیجه‌گیری: بسیاری از دگرسانیهای محبوبالقلوب اصالت ندارند و نویسنده در نقل شعر که بیشتر از حافظه بوده در آنها تصرف کرده است.

تاریخ دریافت: ۱۰ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۲۱ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۰۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

تصحیح متون، شعر فارسی، نسخه خطی محبوبالقلوب

* نویسنده مسئول:

d.zolfaghari@richt.ir

66736452 (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Variations of Persian poems in the manuscript of Mahbub al-Qulub

D. Zolfeghari

Department of Persian Language and Literature, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 29 February 2024

Reviewed: 09 April 2024

Revised: 26 April 2024

Accepted: 02 June 2024

KEYWORDS

correction of texts, Persian poetry, manuscript of Mahbub al-Qulub

*Corresponding Author

✉ d.zolfaghari@richt.ir

☎ (+98 21) 66736452

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: There are many poems in the manuscript of Mahbub al-Qulub with number 15 in the Effendi state library in Turkey, but except for Hakim Ferdowsi and Hakim Sana'i, no other poet is mentioned in it, and the author's method is not to mention the names of the poets. The poets whose poetry is included in this book are: Ferdowsi, Nasser Khosrow, Anwari, Farkhi Sistani, Sanai, Zahir Faryabi, Khaqani, Azraqi Heravi, Rashid Watawat, Nizami, Saadi and Molavi, all of whom are before the 8th century. Considering the author's interest in mentioning the poems of prominent poets, it shows that he wrote the book in the beginning of the 8th century, and that is the reason why there are no poems of poets of this century in it.

METHODOLOGY: Changing the words in the poems of this version with authentic printed works raises the question of how original are the poems in Mahbub al-Qulub? And is it possible that the reason for the changes is that the author of the book quoted the poems from memory? In the following essay, to explain the problem, all the verses that are different from printed works have been examined.

FINDINGS: Although in a few cases the changes in this manuscript can be trusted due to the accuracy of the author's opinion, but the guess is close to certainty that this author had a poetic nature and could easily replace words from make up your mind Also, the originality of the moral foundations of his book was more important to him than the originality of the texts, especially the poems that he included in the book.

CONCLUSION: Many variations of Mahbub al-Qulub are not original, and the author has taken possession of them in reciting the poem, which is more than memory.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7560>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 39	 0	 0

مقدمه

پیشینه

نسخه خطی محبوبالقلوب نخستین بار در کتاب فهرست دستنویسهای فارسی کتابخانه حالت افندی معرفی شده است (حسینی، 1393: 18-16). این نسخه هنوز چاپ نشده و درباره ویژگیهای آن تاکنون مطلب مستقلی منتشر نشده است. نگارنده نسخه را تصحیح و آماده چاپ کرده است.

مؤلف محبوبالقلوب

مؤلف کتاب محبوبالقلوب هیچ نام و نشانی از خود در اثرش باقی نگذاشته است و ما نمیدانیم کیست. ولی شخصیت ادبی، معنوی و اخلاقی او در زیر زبان و بیانش پنهان است و با خواندن کتاب بر آفتاب افکنده میشود. مؤلف محبوبالقلوب مسلمان و اهل تشیع است؛ شاهد این موضوع اشاراتی است که در جایجای کتاب به دین و مذهبش میتوان یافت مانند اینکه عقیده او درباره جبر و اختیار بیانگر حکم «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین» است. این قاعده، راهگشایترین حکمی است که امامیه برای مسئله بغرنج جبر و اختیار دارد (ابن شعبه حرانی، 1367: 736-750).

تاریخ تولد نویسنده را نمیدانیم ولی به احتمال قریب به یقین تا اوایل قرن هشتم بیشتر زنده نبوده است؛ چرا که از متون نظم و نثر اوایل قرن هشتم به بعد اثری در کتاب او نمیابیم.

مطابق آنچه در خاتمه کتاب آورده است، در اوایل جوانی چند سال شغل دیوانی داشته است و زمانی که به میانسالی رسیده تحولی در او ایجاد شده و به مجاهده نفس قیام کرده است و گام در وادی زهد و بیرقبتی به دنیای فانی گذاشته و کمخوری، کمگوی، کمخواهی و دوری از خلق را پیشه خود ساخته و همهروزه به تلاوت قرآن کریم مشغول گشته است در همین زمان روزی دوستی با او میگوید اکنون وقت آن است که با این سبک و سیاقی که برای زندگی برگزیده‌ای، آستینت را هم کوتاه کنی و حال درونیت از لباس و ظاهرت نیز پیدا باشد که او با این بیت از سعدی پاسخ دوستش را میدهد:

دست کوتاه باید از دنیا آستین خوه دراز خوه کوتاه

همین حالت باعث میشود در پاسخ به این دوست کتابی تألیف کند؛ فصلی مینویسد، پس از چند سال دو سه فصل نصیحت‌آمیز هم بدان اضافه میکند.

مؤلف از وجود ضعف احتمالی در سخن‌پیرایی خود عذرخواهی میکند و میگوید بیشتر مطالب کتاب را به طریق انتخاب از دستباف قریحه دیگران گردآورده است. و در ادامه به چابکدستی خود اشاره میکند و میگوید چنان مطالب انتخابی را تدوین کرده است که فقط خود مصنفان میتوانند گفته‌ها و نوشته‌های خود را تشخیص دهند. او شخصیت اخلاقی خوش‌ذوق و خوش‌حافظه‌ای بوده است که تصمیم گرفته گزیده‌ای از مطالبی را که درباره فضایل و رذایل اخلاقی در کتابهای مختلف خوانده است، یکجا گردآوری کند. در این کار شیوه‌اش اسم نبردن از کتابها و نویسندگان و شاعرانی است که از آنها مطلب نقل میکند؛ تنها یک بار به حکیم فردوسی و یک بار هم به حکیم سنایی اشاره کرده است.

توصیف ظاهری نسخه

این نسخه نفیس و ارزشمند به دست کاتبی ناشناخته که شاید خود مؤلف باشد با خط نسخ کهن یکدست، زیبا، فنی، دارای اعراب در موارد لازم و خوانا و با عنوانی به ثلث، روی کاغذ نخودپرنگ و در قطع وزیری کتابت شده

است. نسخه کامل و سالم است و هیچگونه فرسودگی ندارد. ولی انجامه آن محو شده است و خوانا نیست. نسخه 75 برگ است؛ در آغاز یک برگ و در انجامش هم یک برگ بدرقه دارد.

متن اصلی هیچ نقصی ندارد اما سجع بعضی از مهرهای مالکان نسخه محو شده است. کاتب با قرآن و حدیث و متون نظم و نثر فارسی آشنایی خوبی داشته و با آنها مأنوس بوده است و گواه این ادعا دقت نظر او در نوشتن نسخه است که در هیچکدام از ابیات، آیات و احادیث نقص عمده‌ای به چشم نمیخورد. اوراق نسخه 15 سطری هستند و رکابه ندارند.

این نسخه با شماره 15 در کتابخانه حالت افندی ترکیه نگهداری میشود. اشعاری در اوراق ابتدایی و پایانی آن پیش و پس از متن اصلی توسط مالکان نسخه نوشته شده است.

نسخه، هامش¹ و حاشیه² ندارد؛ تنها چند یادداشت مختصر از مالکان در حاشیه بعضی از اوراق آمده است. ظهر³ نسخه تذهیب شده و در آن عناوین فصول چهارگانه، در چهار دایره، نوشته شده است و بالای این چهار دایره کتیبه «کتاب محبوب القلوب مشتمل بر چهار فصل» آمده است و بالای کتیبه، سرلوح است. در قلب چهار دایره هم این عبارت که گویای نام مالک نسخه است، قرار دارد: الله صاحبه عبدالملک عبدالقادر عناوین فصول کتاب و کلماتی مانند الایه، خبر، شعر، بیت، مصراع، مثل و حکایت برای زیباسازی به رنگ طلایی نوشته شده‌اند و در

1 هامش: هامش در لغت سخن بسیار گفتن است و در یکدیگر در آمدن و جنبش نمودن، اما در مصطلح نسخه‌نویسی کرانه‌های سه‌گانه صفحات نسخه را گویند که کاتب، یا ادامه عبارات و مطالب متن را بر آنها کتابت میکرده و یا متن را به کتابی اختصاص میداده و بر هامش کتاب یا رساله‌ای دیگر را مینویسانیده است. به گونه‌ای که هر سه کناره صفحات تسوید و ترقیم میشده است. به رغم حاشیه که تمامی کرانه‌ها را نمپوشانده است. از اینرو به لحاظ نسخه‌نویسی و نسخه‌شناسی فرقی است میان حاشیه و هامش، که به خلاف تصور متأخران و معاصران، حاشیه در مقابل متن است و هامش با متن تقابل ندارد بلکه یا تشاکل دارد و یا مقوله‌ای است کاملاً جدا از متن (مایل هروی، 1398، ج 2: 390-389).

2 حاشیه: حاشیه در لغت کرانه روی کاغذ و کناره هر چیز دیگر را گویند و در عرف نسخه‌نویسان و نسخه‌شناسان به کرانه‌های سه‌گانه و بعضاً چهارگانه صفحات نسخه گفته میشود که یا بیاض است و یا متضمن ضبطهای صحیح موارد مغلوپ متن و یا نمایه‌گونه اختلاف نسخه‌ها و گاهی نیز متضمن شرحی کوتاه و بلند که به جهت ایضاح اشارات متن فراهم شده و در حاشیه نویسانیده شده است و یا پاره‌ای سقطات متن را که کاتب به سهو انداخته در حاشیه نویسانیده است. در نوشتن حاشیه‌ها نسخه‌نویسان و کاتبان با توجه به علائم و ارقامی که در متن میگذارد و مانده آنها را در حاشیه نیز قرار میداده‌اند، تطبیق و پیوند حاشیه را با متن میسور و مقدور میگردانیده‌اند و عموماً میکوشیده‌اند تا از نوشتن نکته‌ها، اشاره‌ها و مطالب نامفید در حاشیه اجتناب نمایند نیز محتمل است که حاشیه متضمن اضافات و یادداشت‌هایی باشد که به هیچ وجه از خامه مؤلف نبوده و سپس توسط کاتبی متذوق و فرهیخته یا ذریعه مالک نسخه در حاشیه نویسانیده شده باشد. در هر حال این مطالب اگر در نسخه‌ای دیده میشود به لحاظ کتابسازی و نسخه‌شناسی به آنها اصطلاحاً حواشی (جمع حاشیه) میگویند. نسخه‌شناسان نسخی را که دارای حاشیه باشد نسخ محشی یا نسخ حاشیه‌دار یا دارای حاشیه مینامند.

گفتنی است که نباید «حاشیه» را با «هامش» که برخی از معاصران از روی سماحت آن دو را به جای هم اصطلاح کرده‌اند، یکی گرفت زیرا هامش جدای از حاشیه است. صائب «حاشیه» را در تخیل شاعرانه‌اش و در سیمای معشوق این چنین گذارده است: که دیده حاشیه باشد ز متن مشکلترا / نشد ز سبزه خط راز آن دهان معلوم. و ناظم هروی راست:

چشمی که به متن دل فتاده/بر حاشیه زبان نباشد. بر حاشیه است نام ما منتظران/ کز نامه به مقراض جدا ساخته‌اند (همان: 79-78).

3 ظهر: در لغت به معنی پشت است، در عرف نسخه‌نویسان و نیز در اصطلاح نسخه‌شناسی روی نخستین برگ از نسخه را گویند که کاتب و احیاناً مالک نسخه در آنجا نام کتاب و مؤلف آن را عبارت میکند و یا واقف نسخه، وقفنامه‌اش را در آنجا مینویسند. در نسخه‌های هنری و نفیس، ظهر نسخه را با شمس و ترنج و با دیگر اشکال هندسی تزیین و تذهیب میکرده و در میان نقشهای مذکور نام و نشان کتاب و مؤلف آن را ضبط مینموده‌اند (مایل هروی، 1398، ج 2: 196-195).

لا به لای سطور و در اطراف بعضی از کلمات عشر زرین^۱ درج شده است. متن نسخه با سه خط جدولکشی شده است. خط بیرونی جدول بنفش و دو خط داخلی آن به رنگ آل^۲ است. تاریخ تألیف نسخه از روی شواهد و قرائن متنی، اوایل قرن هشتم هجری قمری است. تاریخ کتابت نسخه هم معلوم نیست ولی از روی تاریخ تملک (921 ه.ق)، قطعاً پیش از این تاریخ است؛ احتمال اینکه مؤلف خود نسخه را کتابت کرده باشد بسیار زیاد است؛ این احتمال به دلیل دقت نظری است که در کتابت نسخه و کم غلط بودن آن به چشم می‌آید.

یادداشتهای مالکان نسخه

در برگ بدرقه آغاز نسخه، 2 بیت با خط نستعلیق کم‌عیار نوشته شده است؛ بیت زیر به زبان ترکی آذربایجانی است:

چیخدی ایچیمدن توتون چرخى بویادی بوتون گور که نه آتشدهیم گور نه قدر یانرم^۳

و بیت دیگر عبارت است از:

تا کی ای سر در هوا در آسمان جویی خدا ذوقی از بالانشستن نیست صاحب‌خانه را

در همین برگ و در زیر دو بیت پیشین، با خطی دشوارخوان و نزدیک به خط تعلیق دو بیت از حافظ نوشته شده است:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را
فغان کاین لولیان شوخ شیرینکار شهرآشوب چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را

مهر تملک کتابخانه هم در همین برگ درج شده است و نشاندهنده شماره 15 برای نسخه است.

1 عشر زرین: در عرف نسخه‌آرایان و مذهبیان مصاحف، نشانه‌ای دایره‌وار، با زمینه زرین که در فاصله هر ده آیت نسخ قرآن مجید می‌گذاردند گاه این نشانه را با الوان دیگر مانند لاجورد و غیره می‌آراسته‌اند. جامی گوید: تا به پای آورد کتاب خدای/ تا نهد شیشه شراب به جای. عشر زرین بدزد از مصحف/ تا کند زیب چنگ و زیور دف. و عمادی راست: عشرهای مصحف مجد تو را/ بیشتر باید ز گردون لاجورد (همان: 197).

2 آل: سرخ. یکی از کتیبه‌های سنگ حنابندان دو بیت زیر بوده است از فکری اصفهانی:
گل‌گل عرق که بر رخ خال کرده‌ای/ افشان نقره بر ورق آل کرده‌ای. رنگ حناست بر کف پای مبارکت/ یا خون عاشقی است که پامال کرده‌ای. (تذکره نصرآبادی، ص 269) نقره استعاره از عرق محبوب و ورق آل استعاره از چهره سرخ اوست. «افشان نقره عملی است آرایشی که معمولاً توسط تذهیبکاران بر روی کاغذ انجام می‌شد و ذراتی از نقره حل شده را بر آن می‌پاشیده‌اند. طبعاً رنگ نقره به ورقهای حنایی قرآن جذابیت و نمود بیشتر میداد» (افشار، 1381: 481).

«افشان نقره» در فرهنگ واژگان نظام کتاب‌آرایی اینگونه تعریف شده است: «توعی افشان است که از نقره تعبیه می‌شده است اما کاربرد افشان نقره در کتاب‌آرایی بسیار اندک مینماید؛ زیرا اینگونه افشان اولاً بسیار درشت ظهور می‌یافته و پس از گذشت زمان در مجاورت هوا بصورت لکه‌های سیاه درمیآمده است. با این همه نسخه‌آرایان در کاغذهای الوان و رنگین از این گونه افشان استفاده می‌کرده‌اند. محمدرضا فکری گوید: گل‌گل عرق که بر رخ خال کرده‌ای/ افشان نقره بر ورق آل کرده‌ای» (مایل هروی، 1398، ج 2: 19-20).

3 معنی بیت: آه از نهادم برآمد و همه چرخ و آسمان را فراگرفت. ببین چه آتشی در دل دارم و چه قدر آتش گرفته و میسوزم. (ترجمه از آقای دکتر نعمت‌اله ایرانزاده، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)

در بالای ظاهر نسخه نوشته شده است: «الله حسبی من کُتِبَ اِبی پکر بن رستم بن احمد الشروانی» و همچنین «صاحبه الحقیق الفقیر محمد سنه 921»

2 اثر مهر در همین صفحه به جای مانده که نقش و سجع آنها محو شده است.

در «ب1پ»¹، 2 نقش مهر موجود است که یکی از آنها محو شده و سجع مهر دیگر «وقف مولویخانه² غلطه³» است.

در حاشیه بالای «ب74پ»، به خط نسخ و با جوهر سیاه پررنگ نوشته شده است:

هر که را در طلب علم و ادب رنج رسد عاقبت پای مرادش به سر گنج رسد

العشق

العقل	زین	للفتی	والعلم	طوق	من	ذهب
العشق	نور	یستضی	والجهل	نار		یلتهب

در حاشیه پایین همین صفحه، مه‌ری به شکل بیضی و با سجع «السید محمد» نقش بسته است.

در «ب75پ» هم اشعار زیر به خط نستعلیق و با جوهر سیاه کم‌رنگ نوشته شده است:

بصری⁴

در این دیر خراب‌آباد کش پنداشتم جایی	سکندر یاوه‌گردی بُد سلیمان بادپیمایی
به قصر قیصر و بر طاق کسری سر فرونارد	فقیری را که در کنج قناعت هست مأوایی
میر در پیش اهل حال نام خسرو و دارا	که در فقر است شبلی خسرو و منصور دارایی
به کوی نیستی ماییم از هستی گذرکرده	نه فکر زیستن ما را و نی از مرگ پروایی
اگر خلق جهان پرسند از من کیستی گویم	به کنج نامرادی زارمانده بی‌سروپایی
به شمع مجلس‌آرای کسانم حاجتی نبود	مرا کز شعله آه است شمع مجلس‌آرای
ز آب دیده عینک ساز و پیش چشم گریان نه	بصری چهره مقصود کن آنگه تماشایی

1 «ب» مخفف برگ و «پ» مخفف پشت برگ.

2 مولویخانه: خانقاه دراویش.

3 غلطه: نام محله‌ای بزرگ در استانبول. گالاتا.

4 بصری: محمد بن احمد بصری (م: 941ق). بصری در حدود 870ق به دنیا آمد. در هرات به خدمت سلطان حسین بایقرا (م: 913ق) و مصاحبت امیر علیشیر نوایی (م: 906ق)، جامی (م: 898ق) و مولانا بنایی هروی (م: 918ق) درآمد همراه با دواوین مولانا جامی و امیر علیشیر و نیز سفارشنامه‌هایی به سفارت روم رفت و در حدود 903ق به استانبول رسید و نزد أغورلو احمد، داماد سلطان بایزید بن محمد (حک: 918 - 886ق) تقرب یافت و سلطان برای او مقرری در نظر گرفت.

وی در قصاید خود سلطان بایزید دوم (م: 918ق)، سلیم اول (م: 926ق) و سلیمان قانونی (م: 974ق) را مدح گفته است.

دو نسخه از ریاض‌الانشاء و مناظرالانشاء خواجه محمود گاوآن به شماره 292 در کتابخانه عاشر افندی و شماره 4020 در کتابخانه فاتح موجود است که «محمد بن احمد مشهور به بصری» در 8 رجب 923ق و اواخر ذوالقعدة 929ق در قسطنطنیه آن را کتابت کرده است. در انتهای نسخه عاشر افندی دیوان فارسی و ترکی او هم آمده است که آن هم به قلم خود بصری است. این غزلی هم که در نسخه محبوب‌القلوب آمده، اگرچه ذکری از کاتب و تاریخ کتابت آن در میان نیست ولی با تطبیق آن با دو نسخه کتابت شده توسط بصری میتوان چنین گفت که این غزل نیز سروده اوست (حسینی، 1393: 17-16).

وله ایضا

ماییم گرفتار دل غم‌اندوز چون شمع دمی به گریه گاهی در سوز
روزی به هزار غصه آریم به شام شامی به هزار محنت آریم به روز

و له

جانا پرسی بصورت انسانی نی نی ملکی ز عالم روحانی
بیمار دو چشم ناتوانت شده‌ام بسم‌الله اگر فاتحه‌ای میخوانی

رسم الخط نسخه

رسم الخط نسخه در بسیاری از موارد تا پایان یکسان رعایت نشده و گاه یک کلمه یا ترکیب را ممکن است به چند صورت ضبط کرده باشد.

«می» در بیشتر موارد جدا و در بعضی موارد چسبیده نوشته شده است.

کاتب در نسخه بعد از «های» غیر ملفوظ به جای «ای» همزه آورده است؛ مانند: حق تعالی جوهر آدمی بس مطهر آفریده است و بهره دانایی و تربیتی داده و بر هر یکی ستاره [ستاره‌ای] از ستارگان علوی و سفلی نگهبان او کرده تا همچنان که دایگان طفل را پرورند او را در حضانت تربیت خود می‌پرورد و هر یک را فریشته [فریشته‌ای] از عالم قدس ملکوت آموزگار کرده و لوح تعلیم و تفهیم پیش نهاده چنان که در صفت بهترین موجودات میفرماید عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى.

شیوه نقل شعر در نسخه خطی

در نسخه، پیش از آنکه ابیات فارسی را نقل کند معمولاً کلمه بیت را می‌آورد و پیش از نقل مصرعهای فارسی کلمه مصرع را ذکر میکند؛ پیش از اشعار عربی هم کلمه «شعر» آمده است.

بیشتر متن کتاب بدون اینکه نویسنده از منابعش نام ببرد از کتابهای مرزبان‌نامه، سیاست‌نامه و کیمیای سعادت اقتباس شده است؛ ما متن را با این کتابها تطبیق داده‌ایم و اختلاف ضبطهای آن را با این آثار در تصحیح خود درج کرده‌ایم. در این کار، مرزبان‌نامه تصحیح خطیب رهبر با علامت اختصاری «مخ»، مرزبان‌نامه تصحیح محمد روشن با علامت اختصاری «مر» و نسخه خطی محبوبالقلوب با علامت «ن» نشان داده شده است. علامت «س» نیز نشانگر سیرالقلوب (سیاست‌نامه) است. از آنجا که نقل نویسنده از کیمیای سعادت چندان نیست برای این کتاب علامت اختصاری قرار نداده و هر جا لازم بوده اسم آن را آورده‌ایم.

سبک کتاب

مؤلف در نقل مطالب دیگران به اسم آنها و کتابشان اشاره نمیکند و از آنها با عنوان «حکما و علمای ماتقدم» یاد میکند:

«باری بنده به قدر وسع کوشید و در این راه قدمی زد و سخنی چند نصیحت‌آمیز فراهم آورد بعضی از درج مفکره خویش بیرون کرد و بعضی از تصانیف حکما و علمای ماتقدم که مشاطه چربدست قدرت ایشان در آرایش لعبتان شیرین‌شمایل دست برگشوده بودند و بنده به مطالعه آن مستفید گشته لبی چند از آن معانی هر درّی از درجی و هر مرجانی از جایی به طریق انتخاب بیرون گرفتم و از مفردات اجزای آن مرکبی به فرط امتزاج عسلوار حاصل

آمد اگر خواهی که بدین کار کنی قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ و اگر نخواهی لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ^۱ که نه هرکه خرد^۲ خورد و نه هرکه رود^۳ رسد و نه هرکه کارد درود^۴ و نه هرکه جوید یابد. (پایان فصل دوم کتاب)

همانگونه که در این نمونه ملاحظه میشود، سبک نویسنده به سبک فنی کتابهایی مانند مرزبان‌نامه شباهت فراوان دارد. در سطح زبانی با دست و دل گشاده از واژگان و عبارات عربی بهره میبرد، در سطح نحوی گاه جملاتی طولانی دارد که برای فهم آنها مخاطب ناآشنا ناچار است چند بار به آغاز جمله برگردد. در سطح فکری هم اشارات فراوانی که به قرآن و حدیث دارد، دین و مذهبش را آشکار میسازد.

ما در این بحث از تکرار نکاتی که درباره نثر مرزبان‌نامه گفته شده صرف نظر میکنیم و خوانندگان میتوانند به دو تصحیح که در مقدمه آنها توصیف اینگونه نثر آمده است مراجعه کنند؛ مرزبان‌نامه تصحیح خلیل خطیب رهبر و مرزبان‌نامه تصحیح محمد روشن. نکته قابل یادآوری اینکه نویسنده سبک شخصی و مستقلی ندارد و سبک او سبک مرزبان‌نامه است.

بحث و بررسی

ضبط اشعار فارسی در محبوب‌القلوب

اختلاف ضبطهای فراوانی در محبوب‌القلوب موجود است که آنها را میتوان به سه دسته تقسیم کرد:

- اختلاف ضبط در نقلهایی به غیر از شعر مانند:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مَيِّتٍ يَمْشِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ (بعد از الی، ضبط ابابکر درست نیست؛ به دلیل حرف جر، ضبط ابی‌بکر درست است که ما در متن مصحح خود ضبط درست را درج کرده‌ایم.)

- اختلاف ضبطهای فراوان متن منشور کتاب با منابع مؤلف

- اختلاف ضبط در نقل اشعار

در این جستار به قسم سوم میپردازیم:

اگر چه اشعار فراوانی در کتاب موجود است ولی در آن بجز از حکیم فردوسی و حکیم سنایی آن هم یک بار از هر کدام، از شاعر دیگری نام نرفته است و شیوه مؤلف نیاوردن نام شاعران است. شاعرانی هم که از آنها شعری آمده است همگی پیش از قرن هشتم هستند و این نکته با توجه به علاقه مؤلف به ذکر اشعار از شاعران برجسته نشان میدهد که نهایتاً کتاب را در اوایل قرن هشتم نوشته است و به همین دلیل است که از شاعران این قرن شعری در آن نیست.

اختلاف ضبط کلمات در اشعار متن با آثار چاپی معتبر، این پرسش را ایجاد میکند که ضبط درست اشعار کدام است؟ ضبطی که در دستنویس محبوب‌القلوب آمده است؟ یا ضبطی که در آثار چاپی موجود است؟ برای شرح مسئله تمامی ابیاتی که اختلاف ضبط دارند بررسی شده‌اند و در پایان این فرضیه پیشنهاد شده است که در تصحیح اشعار مورد بحث، با توجه به قدمت محبوب‌القلوب و اهمیتش میتوان به ضبطهای آن هم توجه کرد:

1 لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (سوره 2: بقره، آیه 256) یعنی در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است و خداوند شنوای داناست.

2 ن: خرد

3 ن: رود

4 ن: درود

جهان را چه سازی که خود ساخته‌است جهاندار ازین کار پرداخته‌است

این بیت از امثال سائر شاهنامه حکیم فردوسی است؛ در چاپ مسکو و چاپ خالقی مطلق نیامده است ولی در چاپ مشهور دیگری موجود است (شاهنامه چاپ ژول مول: ج 1: 392). نویسنده تاریخ و صاف که ابیات فراوانی از فردوسی در کتابش نقل کرده آن را اینگونه آورده است: جهان را چه سازی که خود ساخته است/ جهاندار ازان دل برداخته است (تاریخ و صاف: 252). مقایسه ضبط محبوبالقلوب با ضبط تاریخ و صاف نشانگر دقت نظر بیشتر مؤلف محبوبالقلوب است.



چو گویی که فام خرد توختم سخن هرچه بایستم آموختم
یکی نغزبازی کند روزگار که بنشاندت پیش آموزگار

در شاهنامه چاپ خالقی مطلق به جای «سخن»، «همه» آمده است. (ج 7: 219) مطابق پاورقیهای این چاپ، ضبط «سخن» در هیچ نسخه‌ای نیامده است و نسخ س و ق، «هنر» دارند و متن مطابق است با سیزده دستنویس دیگر (همانجا). بر پایه معاییر بلاغی هم نمیتوان ضبط محبوبالقلوب را بر ضبط مختار چاپ خالقی ترجیح داد؛ هم‌آغازی «همه» و «هرچه» بهتر بودن چاپ خالقی را نشان میدهد. آیا ممکن است نویسنده محبوبالقلوب نسخه‌ای از شاهنامه را داشته که جزو نسخ خطی چاپ خالقی مطلق نیست؟ یا اینکه از روی حافظه بیت را نقل کرده و ضبط «سخن» انتخاب خود اوست؟



کمر بسته آز و جویای کین به نیکی ز کس نشنود آفرین

ضبط بیت در شاهنامه چاپ خالقی مطلق:

پرستنده آز و جویای کین به گیتی ز کس نشنود آفرین
(همان: ج 4: 3)

مطابق پاورقی چاپ خالقی، ضبط «کمر بسته» در محبوبالقلوب در نسخه‌های س و ق آمده است. و «به نیکی» در هیچ نسخه‌ای موجود نیست و به احتمال بسیار زیاد انتخاب نویسنده محبوبالقلوب است؛ اگر این احتمال درست باشد میتوان حدس زد که این نویسنده طبع شعر داشته و به راحتی میتوانسته است در محور جانشینی کلماتی را از خود قرار دهد و گویا اصالت موضوع اخلاقی کتابش برای او مهمتر از اصالت متونی بوده که در ضمن آن میآورده است.



دست کوتاه کن ز دنیا دون آستین خوه دراز خوه کوتاه

مصرع نخست این بیت در گلستان سعدی اینگونه است: دست کوتاه باید از دنیا

و همه شعر این است:

ای به ناموس کرده جامه سپید بهر پندار خلق و نامه سیاه
دست کوتاه باید از دنیا آستین خوه دراز و خوه کوتاه

(گلستان سعدی: 184)

مطابق گلستان سعدی تصحیح یوسفی، ضبط مختار محبوب‌القلوب اصالت ندارد و نویسنده در نقل بیت در آن تصرف کرده است.



راهی که نه راه توست مسپر کاری که نه کار توست بسپار

در دیوان ناصر خسرو اینگونه است:

کاری که نه کار توست مسگال راهی که نه راه توست مسپر

(دیوان ناصر خسرو: 246)

رهایی و راحتی نویسنده محبوب‌القلوب در نقل این بیت به کمال مشهود است؛ هم جای دو مصرع را عوض کرده است و هم به جای «مسگال»، واژه «بسپار» را قرار داده که اصالت ندارد و معنی بیت را هم تغییر میدهد.



از خود دیت بخواه که خونریز خود توئی کالا برون مجوی که دزد از درون درست

در دیوان خاقانی اینگونه است:

از کسی دیت مخواه که خونریز تو تویی نقب از برون مجوی که دزد از درون در است
(دیوان خاقانی، ج 2: 791)

اختلاف ضبطهای موجود در این بیت نشاندهنده آن است که نویسند به دنبال ساده‌سازی اشعار بوده و جالب این است که آنقدر توانا بوده است که موسیقی بیرونی را خدشه‌دار نکند؛ «خونریز خود تویی» از خونریز تو تویی» ساده‌تر است. «کالا برون مجوی» از «نقب از برون مجوی» آسانتر است.



بکوش تا بسلامت به مأمنی برسی که راه بس مخوف است و منزلت بس دور

ضبط بیت در دیوان ظهیر فاریابی:

بکوش تا سلامت به منزلی برسی که راه سخت مخوف است و منزلت بس دور
(دیوان ظهیرالدین فاریابی: 105)

«بس» با توجه به وزن شعر مسلماً غلط است و این تنها جایی است که نویسنده محبوبالقلوب با انتخابی که داشته وزن شعر را مختل کرده است. و چون میتوان نادر را در حکم معدوم دانست میتوان حدس زد که با سهوالقلم به جای سخت نوشته است بس.

این که می‌بینم به بیداریست یا رب یا به خواب خویشتن را در چنین نعمت پس از چندان^۱ عذاب

در دیوان انوری به جای «چندان» «چندین» آمده است (دیوان انوری، ج 1: 25). ضبط مختار نویسنده به این دلیل است که شعر را از حافظه نقل کرده است و در اینگونه موارد بسیار طبیعی است که «چندان» و «چندین» به جای یکدیگر به کار بروند.

بنشست و هزارگونه باد اندر سر سودای هزار کیقباد اندر سر

در مقامات حمیدی:

از فضل هزار گونه باد اندر سر سودای هزار کیقباد اندر سر
(مقامات حمیدی: 35)

گفتن «بنشست و» به جای «از فضل» باز هم به دلیل آن است که نویسنده غرق در معانی ذهنی خود بوده که داشته مینوشته است و هنگام نقل این بیت به راحتترین شکلی آن را بیان کرده است. هرچند اصالت ندارد.

گمشده تدبیر و خطا کرده ظن

در کلیله و دمنه بخش دوم باب الفحص عن امر دمنه میخوانیم:
نیک به رنج اندرم از خویشتن / گم شده تدبیر و خطا کرده ظن که همین بیت هم در دیوان فرخی سیستانی اینگونه است:

گفتم چونی و چگونه ست کار؟ گفت به رنج اندرم از خویشتن
(دیوان فرخی: 319)

ولی به سیم چو سیماب گوشت آگنده ست خیال جاه فروبست چشم عبرت تو
ز من چگونه توانی تو این حدیث شنید تو این جمال حقیقت کجا توانی دید؟

در مرزبان‌نامه به جای «جاه» «زر چو» آمده است.

1 در مرزبان‌نامه «چندین» آمده است.

شاعر شعر را نیافتم و نمیدانم «جاه» اصیلتر است یا «زر چو»

گر از پی شهوت و هوا خواهی رفت از مات خبر که بینوا خواهی رفت
دانی که کئی و از کجا آمده‌ای بنگر که چه میکنی کجا خواهی رفت

در مرزبان‌نامه:

گر از پی شهوت و هوا خواهی رفت از من خبرت که بینوا خواهی رفت
بنگر که کئی و از کجا آمده‌ای میدان که چه میکنی کجا خواهی رفت

این رباعی از مولوی اینگونه نقل شده است:

گر بر سر شهوت و هوا خواهی رفت کردم خبرت که بینوا خواهی رفت
ور درگذری از این، ببینی به عیان کز بهر چه آمدی، کجا خواهی رفت
(غزلیات شمس تبریز، رباعی‌ها: 1396)

بنابراین نه مولف مرزبان‌نامه و نه نویسنده محبوب‌القلوب هیچکدام به ضبط‌های اصیل توجه نداشته‌اند و فقط خواسته‌اند معنی را منتقل کنند.

ناکام شدم به کام دشمن تا خود ز توام چه کام روزیست؟
مرغیست دلم بلندپرواز لیکن ز قضاش، دام روزیست

ضبط دیوان خاقانی:

مرغی است دلم بلندپرواز اما ز قضاش دام روزی است
ناکام شدم به کام دشمن تا خود ز توام چه کام روزی است
(دیوان خاقانی، ج 2: 802)

به هم ریختن این قطعه در نقل محبوب‌القلوب گواه صادق دیگری است بر اینکه نویسنده دیوان خاقانی را دم دست نداشته تا از روی آن و با دقت شعر را نقل کند.

کودک که از او طرب‌پرستی خیزد بر صیدِ مراد چیره‌دستی خیزد
در ساغرِ عمر کار با جرعه فتاد پنداشت که از جرعه [چه] مستی خیزد

شاعر این رباعی را نیافتم. مصرع آخر در مرزبان‌نامه: پیداست کزین جرعه چه مستی خیزد. [چه] هم در نسخه محبوب‌القلوب نیست و برافزوده نگارنده است.

رہا کن کان خماری بود مستی	حدیث کودکی و خودپرستی
نمیشاید دگر چون غافلان زیست	چو عمر از سی گذشت و نی خود از بیست
چهل رفته فرو ریزد پر و بال	نشاط عمر باشد تا چهل سال
بصر کندی پذیرد پای سستی	پس از پنجه نباشد تندرستی
چو هفتاد آمد افتاد آلت از کار	چو شصت آمد نشست آمد پدیدار
بسا سختی که از گیتی کشیدی	به هشتاد و نود گر در رسیدی
بود مرگی به صورت زندگانی	وز آنجا گر به صد منزل رسانی

مصرع دوم بیت نخست در خسرو شیرین: رها کن کان خیالی بود و مستی (کلیات نظامی: 147).
 مسلماً ضبط کلیات نظامی اصیلتر است و باز هم نویسنده به دلیل نقل شعر از حافظه، از خود واژه «خماری» را آورده است و به نحو کلام هم توجه نداشته و «واو بلاغی» پس از «بود» را حذف کرده است.
 مصرع نخست بیت دوم در خسرو شیرین: چو عمر از سی گذشتت یا خود از بیست (همان: 148).
 «نی خود» به جای «یا خود» که باز هم از انتخابهای بدون مراجعه به متن نویسنده بینام و نشان محبوبالقلوب است شاید بتواند با پژوهشی گویشی ما را به منطقه زندگی او رهنمون شود.
 مصرع دوم بیت سوم در خسرو شیرین: چهل ساله فرو ریزد پر و بال (همانجا).
 «چهل رفته» به جای «چهل ساله» هم قابل توجه است؛ آیا ممکن است در منطقه زندگی نویسنده این ترکیب رایج بوده باشد؟ و برای بیان سن کسی به جای افزودن «ساله» به عدد «رفته» به آن میافزوده‌اند؟
 مصرع نخست بیت ششم در خسرو شیرین: به هشتاد و نود چون در رسیدی (همانجا).
 انتخاب ضبط «گر» به جای «چون» هم از آن مواردی است که هنگام نقل شعر از حافظه بسیار اتفاق میافتد.

فریاد که عمر رفت در بیهوده	هم لقمه حرام و هم نفس آلوده
فرموده نکرده‌ام از آن می‌ترسم	فریاد ز کرده‌های نافرموده

شاعر این رباعی را نیافتیم. به شکل زیر هم آن را دیده‌ام.
 افسوس که عمر رفت بر بیهوده
 فرموده ناکرده پشیمانم کرد
 هم لقمه حرام و هم نفس آلوده
 افسوس ز کرده‌های نافرموده

حال خلد و جحیم دانستم	به یقین آنچنان که میباید
گر حجاب از میانه بردارند	آن یقین ذره‌ای نیفزاید

در مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب (ع) شرح رشیدالدین وطواط تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، به جای «بردارند»، «برگیرند» آمده است و این نکته قابل تأمل است؛ آیا ممکن است «بردارند» که در متن نسخه محبوبالقلوب آمده ضبط اصیل باشد؟ پاسخ به این پرسش نیازمند یافتن منبع اصلی شعر است.

بمیر ای دوست از مرگ اگر می‌زندگی خواهی که اندریس از چنین مردن بهشتی گشت پیش از ما

در نسخه، کلمه «پیش» از قلم افتاده و «ادریس» بصورت «اندریس» نوشته شده است.
بمیر ای دوست پیش از مرگ اگر می‌زندگی خواهی که ادریس از چنین مردن بهشتی گشت پیش از ما
(دیوان سنایی: 52)

«بیدار کنون شدم که کاهی بنماند»

این مصرع در یکی از رباعیهای شیخ بهایی بعنوان مصرع آخر آمده است:
در مزرع طاعتم، گیاهی بنماند در دست به جز ناله و آهی بنماند
تا خرمن عمر بود، در خواب بدم بیدار کنون شدم که کاهی بنماند

(کلیات اشعار و آثار شیخ بهایی: 168) ولی مطابق متن محبوبالقلوب که در قرن هشتم نوشته شده است این احتمال شکل میگیرد که شیخ بهایی مصرع آخر را از رباعی شاعری متقدم تضمین کرده باشد؛ باری درباره شاعر آن باید تحقیق شود.

آن که تو را یگانه و بیمثل آفرید و آن که سپهر هفت و عناصر چهار کرد

ظهیر فاریابی:
اول تو را یگانه و بیمثل آفرید وانگه سپهر هفت و عناصر چهار کرد
(دیوان ظهیرالدین فاریابی: 64)
با توجه به «آنگه» که در مصرع دوم آمده است، در مصرع نخست «اول» درست است و اعتماد نویسنده به حافظه و عدم بهره‌گیری از اصل منبع در این شاهد هم مشهود است.

بد بود تن چو دل خراب شود ظلم لشکر ز ضعف شاه بود

حدیقه سنایی:
بد شود تن چو دل تباه بود ظلم لشکر ز ضعف شاه بود
(حدیقه الحقیقه: 108)

نویسنده در مصرع نخست جای «بود» و «شود» را عوض کرده و به جای «تباه» کلمه «خراب» را آورده که با این کار قافیۀ شعر را هم خراب کرده است.

لطیف زود پذیرد تبدل احوال

ازرقی هروی:

خدایگانا، طبع لطیف خواهد شعر لطیف زود پذیرد تغیر احوال
(دیوان ازرقی هروی 57)
به جای «تغیر»، «تبدل» آورده است که باز هم به سبک او در نقل اشعار که اعتماد به حافظه است برمیگردد.



صورتی از فرشته نیکوتر دیورویت نماید از خنجر

در حدیقه الحقیقه:

یوسفی از فرشته نیکوتر دیورویی نماید از خنجر

ضبط «صورتی» به جای «یوسفی» پشتوانه سندی ندارد ولی «رویت» به جای «رویت»، مطابق چاپ مدرس رضوی جزو دگرسانیهایی است که در نسخه های «س» و «ل» آمده است (سنایی، 1341: 69).



گفتم که به سایه تو خورشید شوم نه آنکه چو عود آیم و چون بید شوم
نومید دلیر باشد و چیره زبان¹ وی خواجه چنان مکن که نومید شوم

رشید وطواط:

گفتم که بمدحت تو خورشید شوم نی آنکه چو گل آیم و چون بید شوم
نومید دلیر باشد و چیره زبان زنهار چنان مکن که نومید شوم

(رشید وطواط، 1339: 617)

این بیت در لغتنامه دهخدا هم عینا مانند متن محبوبالقلوب آمده است و در پایان بیت به نشانه نامعلوم بودن شاعر علامت پرسش گذاشته شده؛ آیا ممکن است نقل محبوبالقلوب که لغتنامه هم آن را تأیید میکند اصیلتر باشد؟

گفتم که به سایه تو خورشید شوم نه آنکه چو عود آیم و چون بید شوم؟



1 پادشاهی را شنیدم به کشتن اسیری اشارت کرد. بیچاره در آن حالت نومیدی ملک را دشنام دادن گرفت و سقط گفتن، که گفته اند هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید. وقت ضرورت چو نمائد گریز/ دست بگیرد سر شمشیر تیز
اذا ینس الانسان طال لسانه/ کستور مغلوب یصول علی الکلب (کلیات سعدی، گلستان: 31)

کین دغل دوستان که میبینی	مگسانند گرد شیرینی
تا حطامی که هست مینوشند	همچو زنبور بر تو میجوشند
ناگهانی که ده خراب شود	کیسه چون کاسه رباب شود
ترک صحبت کنند و دلداری	دوستی خود نبود پنداری
بار دیگر چو بخت باز آید	شادکامی ز در فراز آید
دوغبایی بپز که از چپ و راست	در وی افتند چون مگس در ماست
راست خواهی سگان بازارند	کاستخوان از تو دوستتر دارند

سعدی:

این دغل دوستان که میبینی	مگسانند دور شیرینی
تا حطامی که هست مینوشند	همچو زنبور بر تو میجوشند
باز وقتی که ده خراب شود	کیسه چون کاسه رباب شود
ترک صحبت کنند و دلداری	معرفت خود نبود پنداری
بار دیگر که بخت باز آید	کامرانی ز در فراز آید
دوغبایی بپز که از چپ و راست	در وی افتند چون مگس در ماست
راست خواهی سگان بازارند	کاستخوان از تو دوستتر دارند

(کلیات سعدی، مثنوی‌ها: 782)

اختلاف ضبط‌های متن محبوب‌القلوب (کاین، گرد، ناگهانی، دوستی، چو، شادکامی) با دیوان سعدی (این، دور، باز وقتی، معرفت، که، کامرانی) نشانگر آن است که نویسنده محبوب‌القلوب با شم و قریحه خود و بدون تعمد و در حین خواندن اشعار از حفظ دست به این انتخابها زده است.

دوست مشمار آن که در نعمت زند	لاف یاری و برادرخواندگی
دوست آن را دان که گیرد دست دوست	در پریشان حالی و درماندگی

در سعدی به جای «آن را دان» «آن دانم» آمده است (گلستان سعدی: 71) و این اختلاف که گویا به بافت سخن نویسنده برمیگردد که متنی اخلاقی است و در آن خواسته خواننده را مخاطب نصیحت خود بداند.

ای کرده یکی چرخ دویی با من تو	فرقی نگذاشتی ز خود تا من تو
این عشق مرا با تو چنان یکتا کرد	کاندر غلطم که تو منی یا من تو

منبع رباعی را نیافتم و نمیدانم در مصرع نخست «چرخ» اصالت دارد یا خیر.

دیو کانجا رسید سر بنهد

مرغ کانجا پرید پر بنهد

کلیله، بخش 5، خرگوشی که ادعای رسولی ماه کرد:

دیو کانجا رسید سر بنهد مرغ کانجا رسید پر بنهد
نرود جز بیدرقه گردون از هوا و زمین او بیرون
(کلیله و دمنه: 205)

در مرزبان‌نامه هم به جای «پرید» در مصرع نخست، «رسید» آمده است. نویسنده محبوبالقلوب به احتمال زیاد با شتاب این بیت را نوشته است و مطالب مهم متن که در حال بیان کردن آنها بود به او مجال اندیشه‌ورزی درباره اصالت متن نداده است.

نتیجه‌گیری

اختلاف ضبطهای فراوانی در محبوبالقلوب با آثار چاپی معتبر موجود است که آنها را میتوان به سه دسته تقسیم کرد:

- اختلاف ضبط در نقلهایی به غیر از شعر مانند:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مَيِّتٍ يَمْشِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى أَبَاكَرٍ (بعد از الی، ضبط ابابکر درست نیست؛ به دلیل حرف جر، ضبط ابی‌بکر درست است که ما در متن مصحح خود ضبط درست را درج کرده‌ایم).

- اختلاف ضبطهای فراوان متن منشور کتاب با منابع مؤلف

- اختلاف ضبط در نقل اشعار

در این جستار به قسم سوم پرداخته شد؛ اگر چه اشعار فراوانی در کتاب موجود است ولی در آن بجز از حکیم فردوسی و حکیم سنایی آن هم یک بار از هر کدام، از شاعر دیگری نام نرفته است و شیوه مؤلف نیاوردن نام شاعران است. شاعرانی که از آنها در این کتاب شعر آمده است عبارتند از: فردوسی، ناصر خسرو، انوری، فرخی سیستانی، سنایی، ظهیر فاریابی، خاقانی، ازرقی هروی، رشید وطواط، نظامی، سعدی و مولوی که همگی پیش از قرن هشتم هستند و این نکته با توجه به علاقه مؤلف به ذکر اشعار از شاعران برجسته نشان میدهد که نهایتاً کتاب را در اوایل قرن هشتم نوشته است و به همین دلیل است که از شاعران این قرن شعری در آن نیست.

برای شرح مسئله پژوهش تمامی ابیاتی که با متون چاپی اصیل اختلاف ضبط دارند بررسی شدند و در پایان معلوم شد که اگرچه در موارد معدودی که در متن مقاله شرح داده‌ایم میتوان به ضبطهای این نسخه خطی بخاطر دقت نظر نویسنده اعتماد کرد، ولی حدس نزدیک به یقین این است که این نویسنده طبع شعر داشته و به راحتی میتوانسته است در محور جانشینی، کلماتی را از خود قرار دهد. همچنین اصالت مبانی اخلاقی کتابش برای او مهمتر از اصالت متون به ویژه اشعاری بوده که در ضمن کتاب می‌آورده است. بنابراین بسیاری از ضبطهای مختار محبوبالقلوب اصالت ندارند و نویسنده در نقل شعر که بیشتر از حافظه بوده در آنها تصرف کرده است.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی خود نویسنده است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Afshar, Iraj, (2002), "Terms of handwriting, paper and copy in Safavid poetry", Baharestan Nama, third year, number 6.
- Ameli, Muhammad bin Hossein (Sheikh Baha'i), (1982), Complete Diwan of Sheikh Baha'i including Persian poems and works, with an introduction by Saeed Nafisi, Tehran: Chekame.
- Anwari Abiwardi, Ohaddin Mohammad, (1958), Divan Anuri, by Mohammad Taghi Modares Razavi, 2nd volume, Tehran, Book Translation and Publishing Company.
- Balkhi, Qazi Hamid al-Din Umar bin Mahmud, (1965), Hamidi authorities, with the interpretation of poems and possible explanations and the announcement and translation of difficult words and phrases, with the help of Seyyed Ali Akbar Abarqawi, the teacher of Isfahan Literature School, Isfahan, Isfahan Literature School.
- Beyhaqi Nishabouri Kidari, Qutbuddin Abulhasan Muhammad bin Al-Hussein bin Al-Hassan, (1996), Diwan of Imam Ali (peace be upon him), correction, translation, introduction, additions and notes by Abul Qasim Emami, 2nd chapter, Tehran, Asoeh Publishing Company.
- Dehkhoda, Ali Akbar, (2020), Dehkhoda Dictionary (digital version, <https://dehkhoda.ut.ac.ir>) based on the physical version of 15 volumes published in 1998, Tehran, Dehkhoda Dictionary Institute and International Persian Language Education Center of Tehran University.
- Ezraghi Haravi, (1957), Divan Hakim Ezraghi Heravi, compiled, corrected, revised, annotated and written by the late Ali Abdul Rasouli, the late professor of Tehran University, Tehran, University of Tehran.
- Farrokhi Sistani, Abolhasan Ali bin Julogh, (1932), Hakim Farrokhi Sistani's Diwan, compiled and edited by Ali Abdur Rasouli, Tehran, Majlis Press.
- Faryoumdi, Ibn Yamin, (no date), edited and edited by Hossein Ali Bastani Rad, Tehran, Sana'i Library Publications.
- Ferdowsi, Abulqasem, (1995), Ferdowsi's Shahnameh, revised by Jule Mol, with an introduction by Dr. Amin Riahi, 3 volumes, fifth edition, Tehran, Sokhn Publications.
- Ferdowsi, Abulqasem, (2009), Shahnameh, by the efforts of Jalal Khaleghi Mutlaq, 8 volumes, 2nd chapter, Tehran, Center of Islamic Encyclopaedia.

- Ghazali, Mohammad Bin Mohammad, (2010), *Chemistry of Saadat*, by the efforts of Hossein Khadiw Jam, 2 volumes, 9th edition, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Hafez, Shamsuddin Mohammad, (2016), *Diwan Hafez*, by Bahauddin Khorramshahi and Hashem Javid, Tehran, Farzan Rooz Publications.
- Holy Qur'an, translated by Abulfazl Bahrapour, (2013) with an explanation of the words around the page, Qom, Great Holy Qur'an Printing House.
- Hosseini, Seyyed Mohammad Taqi (2013) *List of Persian Manuscripts of the Effendi-Istanbul Library*, commissioned and in cooperation with the Islamic Culture and Communication Organization and the Shokohi Foundation Cultural Institute, Tehran, Samir Manshur.
- Ibn Shuba Harrani, Abu Mohammad Hasan bin Ali bin Hossein, (1988), *Tohf al-Aqool*, translated by Ahmad Jannati, Tehran: Amir Kabir Publishing House.
- Khaqani Sherwani, Afzaluddin, (1996), *Divan Khaqani*, edited by Mirjalaluddin Kazazi, 2 vols, Tehran, Central Publishing.
- Khwaja Nizam al-Molk, Abu Ali Hassan Tousi, (1968), *Sir al-Maluk (Politics)*, by Hibort Dark, Tehran, Translation and Publishing Company.
- Mailheravi, Najib, (2018), *Book Compilation in Islamic Civilization*, 2 vols., Mashhad, Islamic Research Foundation Publications.
- Monshi, Nasrullah Abul-Maali, (1988), translation of *Kalila and Damneh*, correction and explanation by Mojtaba Minavi of Tehran, Tehran, Tehran University Press.
- Manuscript of Mahbub al-Qulub, No. 15 of the Turkish Effendi Library.
- Molavi, Jalaluddin Mohammad bin Mohammad, (2009), *Ghazliat of Shams Tabriz*, introduction, selection and interpretation of Mohammad Reza Shafi'i Kadkani, 2 volumes in one volume, Tehran, Sokhn Publications.
- Malatiwi, Mohammad Bin Ghazi, (2004) *Rudd al-Aqul*, revised and edited by Mohammad Roshan, Abolqassim Jalilpour, Tehran: Farhngistan and Persian literature, Nash Athar.
- Malatiwi, Mohammad Bin Ghazi, (2013), *Marzbannameh Bozorg: Rozda al-Aqool*, edited by Fethullah Mojtabaei, Gholam Ali Aria in collaboration with Fataneh Kahvand, Tehran, Kharazmi.
- Nizami Ganjei, Elias bin Yusuf, (1956), the generalities of *Diwan Hakim Nizami Ganjei*, based on the corrected text of Sokhon Vahid Dastgerdi, Tehran, Amirkabir Publications.
- Qabadiani, Naser Khosrow, (1996), *Diwan of Hakim Nasero Khosrow Qobadiani's Poems*, edited by Mojtaba Minavi and Mehdi Mohaghegh, Tehran, Institute of Islamic Studies, McGill University, Tehran Branch.

- Rashid Watwat, Mohammad bin Mohammad, (1986), Matloub Kal Talib, introduction, correction and suspension by Mahmoud Abedi, Tehran, Nahjul Balagha Foundation.
- Rashid Watwat, Muhammad ibn Muhammad, (1960), Diwan Rashiduddin Watwat, with an introduction and opposition and corrections by Saeed Nafisi with the book Hadaïq al-Sahr fi Daqayq al-Shaar from the late Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Barani Library.
- Rezaei Javaheri, Seyyed Ali Mohammad, (2016), Ferdowsi's Shahnameh index of verses, 2 volumes, Tehran, Information Publications.
- Saadi Shirazi, Mosleh bin Abdallah, (2000), Saadi's generalities, based on the correction and typology of Mohammad Ali Foroughi and compared with two other versions, correction, introduction, notes and indexes by Bahauddin Khorramshahi, second edition, Tehran, Dostan's publications.
- Saadi Shirazi, Mosleh bin Abdullah, (1990), Golestan, corrected and explained by Gholamhossein Yousefi, 2nd chapter, Tehran, Khwarazmi Publications.
- Sana'i Ghaznavi, Abu al-Majd Majdod bin Adam, (1962), Divan of Hakim Abul Majdod Majdod bin Adam Sana'i Ghaznavi, with an introduction, margins and index by the efforts of Madras Razavi, Tehran, Ibn Sina Library.
- Sana'i Ghaznavi, Abu al-Majd Majdod bin Adam, (2003), Hadiqa al-Haqiqa and Sharia al-Tariqa (honorary name), revised and with an introduction by Maryam Hosseini, Tehran, University Publishing Center.
- Sherwani, Jamal Khalil, (1960), Nazha-ul-Majalis, four thousand quatrains selected from three hundred poets, the second chapter with final revision, corrected and researched, with an introduction and biography of the speakers and descriptions of the lists by Mohammad Amin Riahi, Tehran, Scientific Publications.
- Shirazi, Sharafuddin Abdullah, (1959), Tarikh Wassaf, by Mohammad Mahdi Esfahani, Tehran, Rushdiyyeh offset printing.
- Varavini, Saad al-Din, (1997), Marzbannameh, along with the meanings of verses and words/ edited by Saad al-Din Varavini; With translation, correction, and revision by Mohammad Roshan, [edit] 2, Tehran, Asatir.
- Varavini, Saad al-Din, (2010), Marzbannameh, with the meaning of words and difficult sentences and definitions in Tazi and Persian poems and... [Translation by Sa Daldin Varavini]; By Kushish Khalil Khatib Rahbar, 15th edition, Tehran: Safi Elishah.
- Varavini, Saad al-Din, (no date), Marzbannameh, corrected and revised by Mohammad bin Abdul Wahhab Qazvini, Tehran, Tehran Sadr Library Publications.

Zahir Faryabi, Taher bin Mohammad, (2010), Diwan Zahir al-Din Faryabi, corrected and researched and explained by Amir Hossein Yazdgerdi, under the care of Asghar Dadbeh, Tehran, publishing house.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام پور. (1391) همراه با شرح لغات در دور صفحه، قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین. (1367). تحف العقول، ترجمه احمد جنتی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

ازرقی هروی. (1336). دیوان حکیم ازرقی هروی. تصحیح و خط مرحوم علی عبدالرسولی، تهران: دانشگاه تهران.
افشار، ایرج. (1381). «اصطلاحات خط و کاغذ و نسخه در شعر عصر صفوی». نامه بهارستان، سال سوم، شماره 6.

انوری ابیوردی، اوحدالدین محمد. (1337). دیوان انوری. به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی. 2 ج، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

بلخی، قاضی حمیدالدین عمر بن محمود. (1344). مقامات حمیدی. به سعی سید علی اکبر ابرقویی. اصفهان: دانشکده ادبیات اصفهان.

بیهقی نیشابوری کیدری، قطب الدین ابوالحسن محمد بن الحسین بن الحسن. (1375). دیوان امام علی علیه السلام. تصحیح، ترجمه ابوالقاسم امامی، چ دوم. تهران: انتشارات اسوه.

حافظ، شمس الدین محمد. (1396). دیوان حافظ، به کوشش بهاءالدین خرمشاهی و هاشم جاوید. تهران: انتشارات فرزانه روز.

حسینی، سید محمدتقی. (1393). فهرست دستنویسهای فارسی کتابخانه حالت افندی - استانبول، به سفارش و با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و مؤسسه فرهنگی بنیاد شکوهی. تهران: منشور سمیر.

خاقانی شروانی، افضل الدین. (1375). دیوان خاقانی. ویراسته میرجلال الدین کزازی. 2 ج. تهران: نشر مرکز.
خواجه نظام الملک، ابوعلی حسن طوسی. (1347). سیرالقلوب (سیاست نامه). به اهتمام هیبورت دارک. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

دهخدا، علی اکبر. (1399). لغتنامه دهخدا (نسخه دیجیتال، <https://dehkhoda.ut.ac.ir>) براساس نسخه فیزیکی ۱۵ جلدی. انتشار سال ۱۳۷۷. تهران: موسسه لغتنامه دهخدا و مرکز بین المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه تهران.

رشید و طواط، محمد بن محمد. (1339). دیوان رشیدالدین و طواط. با مقدمه و مقابله و تصحیح سعید نفیسی با کتاب حدایق السحر فی دقایق الشعر از روی چاپ مرحوم عباس اقبال آشتیانی. تهران: کتابخانه بارانی.

..... (1365). مطلوب کل طالب. مقدمه، تصحیح و تعلیق محمود عابدی. تهران: بنیاد نهج البلاغه.

رضایی جواهری، سیدعلی محمد. (1396). بیتنمای شاهنامه فردوسی. 2 جلدی. تهران: انتشارات اطلاعات.

سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله. (1369). گلستان. تصحیح غلامحسین یوسفی. چ دوم. تهران: انتشارات خوارزمی.

- (1379). کلیات سعدی. تصحیح محمدعلی فروغی و مقابله با دو نسخه دیگر. تصحیح بهاءالدین خرمشاهی. چاپ دوم. تهران: انتشارات دوستان.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (1341). دیوان حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی. به سعی مدرس رضوی. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- (1382). حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه (فخرنامه). تصحیح مریم حسینی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شروانی، جمال خلیل. (1375). نزهة المجالس. چهار هزار رباعی برگزیده از سیصد شاعر. چ دوم. به تصحیح محمدامین ریاحی. تهران: انتشارات علمی.
- شیرازی، شرف‌الدین عبدالله. (1338). تاریخ و صاف. به اهتمام محمد مهدی اصفهانی. تهران: چاپ افست رشدیه.
- ظہیرفاریابی، طاهر بن محمد. (1380). دیوان ظہیرالدین فاریابی. تصحیح امیرحسین یزدگردی. به اهتمام اصغر دادبه. تهران: نشر قطره.
- عاملی، محمد بن حسین (شیخ بهایی). (1361). دیوان کامل شیخ بهایی. با مقدمه سعید نفیسی. تهران: چکامه.
- غزالی، محمد بن محمد. (1380). کیمیای سعادت. به کوشش حسین خدیو جم. 2 جلد. چاپ نهم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ. (1311). دیوان حکیم فرخی سیستانی. تصحیح علی عبدالرسولی. تهران: مطبعه مجلس.
- فردوسی، ابوالقاسم. (1374). شاهنامه فردوسی. تصحیح ژول مول. با مقدمه دکتر امین ریاحی. 3 جلد. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سخن.
- (1388). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق. 8 جلد. چ دوم. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- فریومدی، ابن یمین. (بیتا). به تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی راد. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- قبادیانی، ناصر خسرو. (1357). دیوان اشعار حکیم ناصر و خسرو قبادیانی. به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل.
- مایلهروی، نجیب. (1398). کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی. 2 ج. مشهد: انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- منشی، نصرالله ابوالمعالی. (1367). ترجمه کلیله و دمنه. تصحیح مجتبی مینوی تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ملطیوی، محمد بن غازی. (1393). مرزبان‌نامه بزرگ (روضه‌العقول). به تصحیح فتح‌الله مجتبیایی، غلامعلی آریا با همکاری فتانه کهوند. تهران: خوارزمی.
- (1383). روضه‌العقول. به تصحیح و تحشیه محمد روشن، ابوالقاسم جلیل‌پور. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد. (1388). غزلیات شمس تبریز. مقدمه، گزینش و تفسیر محمدرضا شفیعی کدکنی. 2 جلد در یک مجلد. تهران: انتشارات سخن.
- نسخه خطی محبوب القلوب. شماره 15. کتابخانه حالت افندی ترکیه.
- نظامی گنج‌ای، الیاس بن یوسف. (1335). کلیات دیوان حکیم نظامی گنج‌ای. تصحیح وحید دستگردی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- وراوینی، سعدالدین. (1389). مرزبان‌نامه. به کوشش خلیل خطیب‌رهبر. چاپ پانزدهم. تهران: صفیعلیشاه.

.....(1376)، مرزبان نامه. با مقابله و تصحیح و تحشیه محمد روشن. ویرایش دوم. تهران: اساطیر.
..... (بیتا). مرزبان نامه به تصحیح و تحشیه محمد بن عبدالوهاب قزوینی. تهران: انتشارات کتابخانه صدر تهران.

معرفی نویسنده

داریوش ذوالفقاری: استادیار محترم گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.
(Email: d.zolfaghari@richt.ir)
(ORCID: [0000-0002-4913-796x](https://orcid.org/0000-0002-4913-796x))

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the author

Dariush Zolfaghari: Distinguished Assistant Professor of the Department of Persian Language and Literature, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran.
(Email: d.zolfaghari@richt.ir)
(ORCID: [0000-0002-4913-796x](https://orcid.org/0000-0002-4913-796x))